

قضای الهی از مسیر اراده و اختیار بشر می‌گذرد

آیت الله جوادی آملی در درس اخلاق خود گفت: حضرت امیر درباب مسأله جبر و اختیار می‌فرمایند: قضای الهی از مسیر اراده و اختیار بشر می‌گذرد.



آیت الله جوادی آملی در درس اخلاق خود گفت: حضرت امیر درباب مسأله جبر و اختیار می‌فرمایند: قضای الهی از مسیر اراده و اختیار بشر می‌گذرد.

به گزارش خبرگزاری مهر، جلسه درس اخلاق آیت الله جوادی آملی به روال هر پنج شنبه در محل نمازخانه بنیاد بین المللی علوم وحیانی اسراء در قم برگزار شد.

آیت الله جوادی آملی در این جلسه در ادامه سلسله مباحث شرح نهج البلاغه حضرت امیر علیه السلام به شرح هفتاد و هشتمین کلمه از مجموعه کلمات قصار نهج البلاغه پرداخت و بیان کرد: کلمه ۷۸ از سخنان نورانی آن حضرت این است که در جریان جنگ صفین یک سائلی از حضرت سؤال می‌کند آیا اینکه ما به طرف شام می‌رویم قضا و قدر خداوند است؟ «وَمِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِلْسَّائِلِ الشَّامِي لَمَّا سَأَلَهُ أَ كَانَ مَسِيرَنَا إِلَى الشَّامِ يَقْضَاهُ مِنَ اللَّهِ وَ قَدَرِهِ» [وَمِنْ كَلَامِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِلْسَّائِلِ الشَّامِي لَمَّا سَأَلَهُ أَ كَانَ مَسِيرَنَا إِلَى الشَّامِ يَقْضَاهُ مِنَ اللَّهِ وَ قَدَرِهِ] قدر بَعْدَ كَلَامِ طَوِيل. خود سید رضی دارد که پاسخ حضرت به این سوال مفصل و طولانی است، ولی این گوشه ای از آن حدیث است.

وی ادامه داد: مسئله قضا و قدر از یک سو و مسئله جبر و اختیار از سوی دیگر، در صدر اسلام نیز مطرح بود، مرحوم حاج آقا رضا همدانی دو نکته در این کتاب شریف مصباح الفقیه دارد: یکی اینکه مرحوم کاشف الغطاء بزرگ در کتاب شریف کشف الغطاء در بحث نجاست کافر دارد که جبریه و مفعوضه نجس اند! حاج آقا رضا همدانی در جواب ایشان می‌فرماید بله، اگر کسی منکر ضروری، یعنی منکر چیزی روشن بشود کافر است؛ اما شما که در اوج فکر هستید مسئله جبر و تفویض برای شما حل شده است، اما خیلی از فقهای ما مسئله جبر و تفویض خوب برایشان حل نشده. شما ببینید مرحوم آخوند خراسانی وقتی به جبر رسیده، می‌گوید سخن و کلام به اینجا رسید و سر بشکست! این نظری است، بدیهی نیست. فرمایش حاج آقا رضا همدانی این است که نه این ضروری است و نه آن ضروری، اینها جزء مسائل عمیق نظری و پیچیده است، حالا ممکن است این مسائل برای شما روشن شده باشد و برای دیگری روشن نشده باشد؛ بعد این را اضافه می‌کند که خیلی از فقهای ما رفتند جبر را باطل کنند مفعوضه درآیند، که خطر تفویض بدتر از خطر جبر است!

این استاد برجسته حوزه علمیه قم خاطرنشان کرد: اما بیان دیگری که مرحوم حاج آقا رضا (رضوان الله تعالی علیه) دارند و آن هم خیلی شیرین است و جزء تاریخ سیاسی اسلام می‌باشد این است که فرمودند، جبر را امویان خیلی ترویج کردند، برای اینکه با حکومت اینها سازگاری داشت، به مردم می‌گفتند که آنچه می‌بینید کار خداست، چرا به ما اعتراض می‌کنید؟ جبر برای توجیه تبهکاری‌های حگام جور یک وسیله خوبی است. ایشان در همان کتاب شریف طهارتشان دارند: اموی و مروانی، جبر را دامن زدند تا سیئات خودشان را توجیه کنند، فشار بر مردم را توجیه کنند و بگویند این کار، کار خداست.

آیت الله جوادی آملی تصریح کرد: این تفکر در زمان وجود مبارک حضرت امیر نیز وجود داشت. لذا وقتی این سوال در مسیر صفین از حضرت پرسیده شد، حضرت فرمود: «وَيَحْكُمُ لَعَلَّكَ طَنَنْتَ قَضَاءَ لَازِمًا وَ قَدَرًا حَاتِمًا»؛ تو خیال کردی که اگر ما می‌گوییم قضا و قدر یعنی دست ما بسته است؟ خیر! ما «بین الجبر و التفویض» مختاریم، اختیار ما با قضا و قدر الهی تنظیم شده است.

وی ادامه داد: خدای سبحان دو گونه اراده دارد؛ یک اراده در تدبیر کل نظام که این اراده تکوینی است و یک اراده تشریعی دارد که از بشر می‌خواهد که فلان کار خیر را انجام بدهد و از فلان کار شرّ بپرهیزد. خدا می‌خواهد عدل، عقل، نماز و روزه محقق بشود اما به دست ما؛ این می‌شود اراده تشریعی. اما کل جریان هستی را که کارهای آسمان و زمین و تکوین است خودش اراده می‌کند که می‌شود اراده تکوینی. حضرت فرمود او اراده می‌کند ولی از راه اراده ما اراده می‌کند، نه اینکه ما در این کارها هیچ سهمی نداشته باشیم و کارها را مستقیماً او انجام بدهد.

این مفسر قرآن در پاسخ به شبهه فخر رازی در خصوص جبر و اختیار بیان کرد: یک توهمی جناب فخر رازی دارد که

مرحوم خواجه به آن پاسخ داده و آن توهم این است که کارهایی که بشر می کند یا اطاعت است یا عصیان، آیا خدا قبلاً می داند که بشر فلان کار را می کند یا نه؟ اگر بگوییم - معاذالله - خدا نمی داند که خدا جاهل است و این نمی شود. اگر خدا می داند که فلان شخص در فلان وقت فلان اطاعت یا معصیت را انجام می دهد حتماً آن کار باید واقع بشود، وگرنه علم خدا می شود جهل؛ این توهم مختالانه فخر رازی است. مرحوم خواجه در پاسخ دارد که: علم ازلی علت عصیان بودن/ در نزد حکیم، غایت جهل بود.

وی اذعان کرد: خدا بله علم دارد، اما شما چرا این وسط را فراموش کردی؟ خدا یقیناً می داند که فلان شخص در فلان وقت اطاعت می کند و فلان شخص در فلان وقت معصیت می کند؛ اما چرا این مبادی وسطی را حذف کردید؟ خدا می داند که فلان شخص با اراده خود و با میل خود و با اینکه می تواند اطاعت کند بیراهه می رود، هر چه هم به او می گویم گوش نمی دهد، ولی فلان شخص می تواند معصیت نکند و با اینکه او را به بیراهه دعوت می کنند، با اراده و میل خود به طرف اطاعت برود. خدا می داند که زید در فلان وقت فلان کار را می کند اما زید با اراده و اختیار خود آن کار را می کند؛ نه اینکه چون خدا می داند حتماً باید این کار واقع بشود.

آیت الله جوادی آملی ابراز کرد: وجود مبارک حضرت امیر در اینجا فرمود: تو خیال کردی یک قضای لازم و اراده حتم و تخلف ناپذیر در جریان است؟ «لَوْ كَانَ ذَلِكَ كَذَلِكَ لَبَطَلَ الثَّوَابُ وَالْعِقَابُ»؛ خیر! قضای الهی سرجایش محفوظ است، اما اختیار ما هم سرجایش محفوظ است و خدای سبحان در نظام تکوین یک قضایی دارد یک قدری و در نظام تشریع نیز یک قضایی دارد یک قدری، قدر یعنی اندازه. خدا یک قضایی دارد، یک اصلی کلی مثل اینکه هر انسانی می میرد: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ»؛ یک قدری دارد که اندازه گیر است که فلان شخص اگر این شرائط را رعایت کند فلان مقدار عمر دارد و اگر مثلاً بهداشت را رعایت نکند فلان مقدار عمر دارد، این می شود قدر و آن «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ» می شود قضا.

این استاد فلسفه و عرفان اسلامی گفت: حضرت در پاسخ آن فرد می فرماید، قضای الهی از مسیر اراده بشر می گذرد، از مسیر اختیار بشر می گذرد؛ «إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ أَمَرَ عِبَادَهُ تَخْييراً وَ تَهْأَهُمْ تَحْذِيراً وَ كَلَّفَ يَسِيراً وَ لَمْ يَكْلِفْ عَسِيراً وَ أَعْطَى عَلَى الْقَلِيلِ كَثِيراً وَ لَمْ يَعْصَ مَعْلُوباً وَ لَمْ يَطْعُ مُكْرَهاً»؛ هیچ اجباری در کار نیست، آن کسی هم که معصیت کرده اینطور نیست که علیه قدرت خدا کار کرده باشد، خدا او را امتحان کرده و دستش را هم باز گذاشته؛ آن کسی هم که اطاعت کرده این طور نبود که مجبور باشد اطاعت کند.